

بررسی میزان مشارکت اجتماعی و سیاسی شهروندان شهر تبریز و عوامل مؤثر بر آن

ربابه پورجلی^۱

هوشنگ نجفی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۰۷/۱۲

تاریخ تصویب: ۱۳۹۱/۱۰/۱۸

چکیده

این تحقیق با هدف بررسی میزان مشارکت اجتماعی و سیاسی شهروندان شهر تبریز و عوامل مؤثر بر آن انجام یافته است. با توجه به اینکه مشارکت در فرآیندهای توسعه، دموکراسی، رشد سیاسی، افزایش مشارکت اجتماعی و فراهم آوردن زمینه لازم برای ورود گروه‌های مختلف به عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و ... همچنین در کنترل دولت‌ها و مسؤلیت‌پذیر نمودن شهروندان حایز اهمیت فراوان می‌باشد. جهت تبیین مشارکت سیاسی و اجتماعی شهروندان از چشم‌اندازهای نظری گوناگون نظیر کنشی متقابل نمادین، کارکردگرایی ساختاری و ... استفاده گردیده است. بر اساس یافته‌های تحقیق متغیرهای جنسیت با معنی‌داری ۰/۰۲۲، آگاهی سیاسی جامعه با معنی‌داری ۰/۰۱، عضویت در انجمن‌های داوطلبانه با معنی‌داری ۰/۰۰۰، استفاده از وسایل ارتباط جمعی با معنی‌داری ۰/۰۰۰، همبستگی اجتماعی با معنی‌داری ۰/۰۰۰، پایبندی به باورهای دینی با معنی‌داری ۰/۰۰۰، همبستگی بین اعتماد اجتماعی با معنی‌داری ۰/۰۰۰، گرایش‌های سیاسی با معنی‌داری ۰/۰۰۰، ارضای نیازها با معنی‌داری ۰/۰۰۰، بیگانگی اجتماعی با معنی‌داری ۰/۰۰۰، پایگاه اجتماعی و اقتصادی با معنی‌داری ۰/۰۳۶ و محرومیت اجتماعی با معنی‌داری ۰/۰۹۷ تاثیر چندانی بر مشارکت سیاسی ندارد، به عبارت دیگر رابطه معناداری بین متغیرهای مذکور و متغیر وابسته تحقیق به غیر از متغیر محرومیت اجتماعی وجود داشت. نتایج رگرسیونی تحقیق نشان می‌دهد که مشارکت سیاسی شهروندان بیش از هر متغیر دیگر از متغیرهای عضویت در انجمن‌های ارادی متأثر می‌باشد و پس از آن به ترتیب آگاهی سیاسی شهروندان قرار گرفتند.

واژگای کلیدی: آگاهی سیاسی، همبستگی اجتماعی، عضویت در نهادهای مدنی، اعتماد اجتماعی.

^۱ - استادیار و عضو هیأت علمی گروه عل-م اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان -ایران
^۲ - فارغ التحصیل کارشناسی ارشد پژوهشگری واحد زنجان

مقدمه

بی تردید از احتیاجات اولیه هر جامعه مدنی است که در همه ابعاد بتواند امکان فعالیت متنوع را برای افراد جامعه خویش فراهم سازد. بر این اساس مشارکت سیاسی شهروندان بدین معناست که آنان انفعال سیاسی نداشته باشند یا غیر سیاسی نباشند. شکل‌گیری هویت‌های جمعی در فضاهای عمومی سیاست است، که افراد گرد هم می‌آیند تا درباره تعریف علایق جمعی و گروهی بهترین راه‌های رسیدن به آن، در هر مقیاسی به بحث جمعی و عمل مشترک بپردازند.

مشارکت سیاسی یکی از مهمترین مسائل توجیه‌افزایی است که در امور سرنوشت ساز جامعه مشارکت نمی‌کنند.

در این راه باید فضای اطمینان بخشی ایجاد نمود که شهروندان از ورود به عرصه‌های سیاسی و اجتماعی هراسی نداشته باشند و نگرینند؛ و این امر میسر نمی‌شود مگر با ایجاد آگاهی سیاسی و اجتماعی، چرا که انسان بدون آگاهی و بینش نمی‌تواند درک درستی از فواید مدنیت، قرار داد اجتماعی، تاسیس حکومت، مشارکت و مسؤلیت داشته باشد.

از طرف دیگر امروزه جوامع به سمت مردم‌سالاری در حرکت است و حضور قشم آگاه و شهروند در فعالیت‌های سیاسی یکی از ویژگی‌های جوامع دموکراتیک است هر چند در ایران فعالیت سیاسی شهروندان سابقه طولانی ندارد و به دوران بعد از مشروطیت بر می‌گردد لیکن امروزه تحت تأثیر جوامع دموکراتیک منشی، مشارکت سیاسی و اجتماعی یکی از مهمترین و اساسی‌ترین مطالبات شهروندان کشور است. شهروندان از خلال بازاندیشی در هویت خویش با مطالباتی مواجه می‌شوند که عموماً تلاش برای ارتقای سطح زندگی روزمره آنان را در بر می‌گیرد. ایجاد و گسترش فضاهای دموکراتیک در داخل شهر جهت گفتگو، توجه به کیفیت زندگی شهر و از مصادیق مطالبات شهروندان می‌باشد.

از نظر لیپست و هانتینگتون توسعه اقتصادی و اجتماعی منجر به افزایش فرصت‌های تحرک اقتصادی و اجتماعی و پدید آمدن طبقه متوسط می‌شود که دارای آگاهی سیاسی فزاینده‌ای است و با افزایش مشارکت جویی همراه است. در واقع آنها توسعه اقتصادی و اجتماعی را لازمه افزایش شهرنشینی، سطح سواد آموزش، صنعتی‌شدن و توسعه وسایل ارتباطی جمعی را به عنوان پیش شرط شهروندان آگاه و برقراری دموکراسی می‌دانند بنابراین از نظر آنها مشارکت سیاسی تابعی از افزایش منزلت اجتماعی و اقتصادی با توجه به شاخص‌های آن می‌باشد.

همچنین با مطالعه نظریات کولی و مید به این نتیجه می‌رسیم که کنش سیاسی افراد در زندگی روزمره تحت تأثیر گروه‌هایی می‌باشد که به آن تعلق داریم و این وابستگی گروهی است که نحوه واکنش کنشگران را در قبال مسائل سیاسی تعیین می‌کند. به عبارتی رفتار آنها در پاسخ به فشارهای اجتماعی که از سوی دوستان و خانواده بر آنها وارد می‌شود، صورت می‌گیرد از اینرو افراد به خاطر فکر خود به فعالیت سیاسی نمی‌پردازند بلکه معیارهای دوستان و خانواده است که رفتار سیاسی آنان را هدایت می‌کند. بر طبق این دیدگاه افراد آنگونه می‌اندیشند که از نظر اجتماعی در آن موقعیت به سر می‌برند.

در نظریه هابرماس، گستره عمومی (حوزه عمومی) اشاره به فضای باز سیاسی دارد که در آن امکان ارائه نقد و نظر درباره تشکلهای اجتماعی که موجب شکل‌گیری هویت جمعی، علایق جمعی و برخورداری از قدرت و توانایی اصلاح و تغییر عادلانه و تفاهمی کردن کنش‌ها می‌شود، وجود دارد.

لیپست نیز معتقد است کسانی که عضویت یک انجمن را داوطلبانه دارند بیشتر حافظ هنجارهای دموکراسی و نظام‌های چند حزبی هستند زیرا لیپست هم مانند هابرماس می‌کوشد مهمترین شرایط ساختاری - اجتماعی را که مراجع دموکراتیک را تقویت می‌کند شناسایی کند. پس مشارکت سیاسی به فضای باز سیاسی و امکان فعالیت‌های جمعی بستگی دارد. به نظر آلن بیرو (Allen Biro) "مشارکت در معنای اول، مشارکت فعالانه در گروه را می‌رساند و به فعالیت اجتماعی انجام شده نظر دارد در معنای دوم از تعلق گروهی خاص و داشتن سهمی در هستی آن خبر می‌دهد". (بیرو، ۱۳۶۶: ۲۷۵)

استادیوانت (Stadivant) بیان می‌دارد: "مشارکت عبارت است از این که مردم محلی، افراد ذینفع و تصمیم‌گیرنده هستند و در نتیجه مشارکت آنان نباید در این عرصه اتفاقی، اجباری و یا فقط محدود به همکاری باشد، در عوض باید کل فرآیند عمل شامل: برنامه‌ریزی، اجرا، مدیریت، ارزشیابی و تقسیم منابع را در برگیرد". (زند رضوی؛ ۱۳۸۲: ۴۰۵)

مشارکت در برگیرنده‌ی انواع کنش‌های فردی - گروهی به منظور دخالت در تعیین سرنوشت خود و جامعه و تاثیرنهادن بر فرآیندهای تصمیم‌گیری درباره‌ی امور عمومی است. مشارکت می‌تواند در دو سطح مطرح باشد الف - بعد ذهنی مشارکت که همان تمایل به مشارکت اجتماعی است .

ب - بعد عینی و رفتاری مشارکت اجتماعی که به صورت عضویت، نظارت، اجرا و تصمیم‌گیری بروز می‌کند. (میرطاهر موسوی؛ ۱۳۸۵: ۷۹)

در مورد این که مشارکت اجتماعی ابزار است یا هدف دو دیدگاه اصلی وجود دارد: در دیدگاه اول، به مشارکت با دید ابزاری نگریسته و آن را هدفی برای نیل به توسعه دانسته اند؛ چنان چه گائوتری بیان می‌دارد، مشارکت مردمی، شرط بنیادی تدوین و عملی ساختن توسعه‌ی درون زاست، توسعه‌ای که کاملاً با نیازها و خواست‌های واقعی مردم و با مضمون خاص هر جامعه سازگار شده است. (گائوتری؛ ۱۳۷۹: ۶۰) در این دیدگاه، مشارکت سبب کاهش هزینه‌ها، افزایش کارایی و کیفیت، پذیرش برنامه‌ها از سوی مردم، به کارگیری ظرفیت‌ها، منابع و... می‌شود. در باور این گروه "مشارکت باعث پیامدهای موفقیت‌آمیز در پروژه‌ها می‌شود. (موریس، ۲۰۰۰: ۶۱، به نقل از زند رضوی، ۱۳۷۹: ۱۱۵) در مقابل، دیدگاه دوم که برای عمل اجتماعی اصالت قایل است، مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی را فی‌نفسه هدف می‌داند و معتقد است که مشارکت مستقیماً برای انسان و تعالی اوست و کنشگران در فعالیت‌های جمعی و مشارکتی می‌آموزند، رشد می‌کنند، لذت می‌برند و در نهایت توانمندتر می‌شوند.

بعد از وقوع انقلاب‌های سیاسی در اروپا، دانشمندان علوم سیاسی و سیاستمداران به مفهوم مشارکت سیاسی و اجتماعی توجه بیشتری نموده‌اند از جمله این دانشمندان می‌توان به دیوید هیوم، دیسون، جان لاک، جیمز مدیسون، اشاره کرد. در حال حاضر اکثر حکومت‌های جهان به شکل جمهوری اداره می‌شوند و مسأله مشارکت سیاسی و اجتماعی در قوانین اساسی این کشورها نمود عینی یافته است و از اهمیت بالایی برخوردار است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و تأسیس حکومت جمهوری اسلامی به نوعی مشارکت سیاسی وارد فرهنگ سیاسی مردم شد که متأثر از اندیشه‌های انقلابی بود. غالباً حضور مردم در برخی صحنه‌های سیاسی از قبیل شرکت در انتخابات و راه‌پیمایی‌ها بود.

با توجه به اینکه مشارکت پایین یا مشارکت نکردن شهروندان در سیاست به‌طور اعم و انتخابات با طور اخص و استمرار بحران مذکور و کاهش آسیب‌های احتمالی ناشی از مشارکت پایین شهروندان

وانفعال سیاسی واجتماعی پایین بودن میزان مشارکت شهروندان در سطوح مختلف آن می تواند بیانگر وجود گسست و شکاف بین دولت و ملت باشد که در گذشته در زمان رژیم پهلوی و قبل از آن این شکاف وجود داشت که حاصل آن از هم پاشیدگی ساختارهای اجتماعی و تبدیل شدن شکاف های غیر فعال به فعال است میزان مشارکت همچنین نشان دهنده ی انسجام سیاسی واجتماعی جامعه می باشد بدین ترتیب که در جوامع مشارکت جو، هم از نظر کمی وهم از نظر کیفی کنشگران در قبال تصمیمات سیاسی واجتماعی خود را شریک می دانند و در اجرای برنامه ها و سیاست ها یا آگاهی واحساس مسؤوآیت مشارکت می کنند. با توجه به اینکه شهروندان از اقشار مهم جامعه محسوب می شوند و باید در تمامی صحنه های سیاسی واجتماعی کشور حضور فعال داشته باشند.

مسأله اساسی این تحقیق بررسی میزان مشارکت سیاسی-اجتماعی شهروندان شهر تبریز و عوامل مؤثر بر آن را مورد بررسی قرار می دهد تا با بررسی علل و عوامل اجتماعی تأثیرگذار بر مشارکت سیاسی واجتماعی شهروندان و مقایسه نتایج و یافته های تحقیقات پیشین، درصد تحلیل و شناسایی این عوامل بر آید.

سؤال آغازین تحقیق حاضر این است که میزان مشارکت اجتماعی و سیاسی در بین شهروندان چقدر است؟ و عوامل مؤثر بر آن چیست؟
هدف کلی تحقیق بررسی میزان مشارکت اجتماعی و سیاسی شهروندان و شناسایی عوامل مؤثر بر آن می باشد.

فرضیه های تحقیق

- ۱- بین جنسیت شهروندان و میزان مشارکت اجتماعی و سیاسی آنها تفاوت معنی داری وجود دارد.
- ۲- استفاده از وسایل ارتباط جمعی (اینترنت، ماهواره، تلویزیون، مطبوعات) بر مشارکت سیاسی واجتماعی شهروندان تأثیر دارد.
- ۳- بین همبستگی اجتماعی و میزان مشارکت سیاسی واجتماعی شهروندان رابطه معنی داری وجود دارد.
- ۴- بین سطح آگاهی سیاسی واجتماعی شهروندان و میزان مشارکت سیاسی واجتماعی شهروندان رابطه معنی داری وجود دارد.
- ۵- بین پایبندی به باورهای دینی و میزان مشارکت سیاسی واجتماعی شهروندان رابطه معنی داری دارد.
- ۶- بین میزان اعتماد اجتماعی و میزان مشارکت سیاسی واجتماعی شهروندان رابطه معنی داری وجود دارد.
- ۷- بین گرایش های سیاسی و میزان مشارکت سیاسی واجتماعی شهروندان رابطه معنی داری وجود دارد.
- ۸- بین میزان ارضای نیازهای شهروندان و میزان مشارکت سیاسی واجتماعی شهروندان رابطه معنی داری وجود دارد.

۹- بین محرومیت شهروندان و میزان مشارکت سیاسی واجتماعی شهروندان رابطه معنی داری وجود دارد.

۱۰- بین از خود بیگانگی اجتماعی و میزان مشارکت سیاسی واجتماعی شهروندان رابطه معنی داری وجود دارد.

روش شناسی تحقیق

نوع روش تحقیق روش پیمایشی است. علت انتخاب آن روش به این دلیل است با توجه به این که جامعه مورد مطالعه وسیع است لذا روش پیمایشی ها برای انجام این تحقیق مناسب است. در این راستا فرضیات تحقیق با استفاده از روش پیمایشی و تکنیک پرسشنامه ای اطلاعاتی در زمینه خصوصیات فردی پاسخگویان از قبیل جنسیت، سن، وضعیت تاهل، درآمد، آگاهی سیاسی، و غیره.... همچنین اطلاعاتی در باره سایر متغیرهای مشارکت اجتماعی و سیاسی جمع آوری شده است.

روش نمونه گیری در تحقیق حاضر به صورت خوشه ای است که شامل ۳ منطقه، مناطق یک، سه و هشت شهر تبریز است و از هر منطقه با توجه به تناسب جمعیتی آن تعدادی انتخاب شده اند هر منطقه به چند محله و چند بلوک و چند درب منزل تقسیم شده و بر اساس نمونه گیری سیستماتیک تعدادی را به صورت تصادفی انتخاب و پرسشنامه ها پخش می شوند.

برای تعیین حجم نمونه در این بخش با اختیار داشتن جامعه آماری از معادله نمونه گیری کوکران که به قرار زیر است استفاده شده است.

$$n = \frac{Nt^2s^2}{Nd^2 + t^2s^2} = \frac{611407 * 3.84 * 0.25}{611407 * 0.0025 + 3.84 * 0.25} \cong 400$$

که در این معادله:

N: جمعیت یا جامعه آماری = ۶۱۱۴۰۷ نفر

n: حجم نمونه آماری = ۶۰۰ نفر

d: سطح خطا = $(0.04)^2 = 0.0016$

S²: نسبت وجود نداشتن صفت در جامعه آماری $(0.05)^2 = (0.5)^2 = 0.25$

یافته های تحقیق

در این بخش از این تحقیق با استفاده از آزمون های آماری فرضیه های تحقیق مورد

آزمون قرار می گیرند. در آمار استنباطی هدف این است که پارامترهای جمعیتی از روی آمارهای

نمونه ای بر آورد شود. به عبارت دیگر، هدف آمار استنباطی بر آورد ارزش های جمعیتی از روی

بررسی میزان مشارکت اجتماعی و سیاسی شهروندان شهر تبریز و عوامل مؤثر بر آن

ارزش های نمونه ای است. بدین منظور سعی شده است تا با در نظر گرفتن سطح سنجش متغیرها از آزمون های مناسبی استفاده گردد در این قسمت سعی شده است از آزمون های پارامتریک که دارای دقت سنجش بالایی می باشند استفاده شود که قابل تعمیم هستند.

فرضیه: بین جنسیت شهروندان و میزان مشارکت اجتماعی و سیاسی آنها تفاوت معنی داری وجود دارد.

جدول شماره ۱ مقایسه میزان مشارکت اجتماعی و سیاسی براساس جنسیت

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	آزمون T	درجه آزادی	سطح معنی داری
مشارکت اجتماعی و سیاسی	زن	۷/۲۸	۴/۳۱	۲/۳۰۳	۳۸۲	۰/۰۲۲
	مرد	۸/۲۵	۳/۹۵			

از آنجا که جنسیت در مقیاس اسمی دو حالت و مشارکت اجتماعی و سیاسی به صورت کمی فاصله ای سنجیده شده اند بنابراین از آزمون T مستقل استفاده نمودیم و براساس اطلاعات جدول فوق ملاحظه می شود میانگین مشارکت اجتماعی و سیاسی در زنان برابر ۷/۲۸ با انحراف استاندارد ۴/۳۱ و در مردان برابر ۸/۲۵ با انحراف استاندارد ۳/۹۵ بدست آمده است که با توجه به برابر بودن واریانس ها طبق آزمون Leven مقدار t برابر $t = |۲/۳۰۳|$ و $p = ۰/۰۲۲$ نتیجه می شود اختلاف میزان مشارکت اجتماعی و سیاسی براساس جنسیت معنی دار است زیرا سطح معنی داری از ۰/۰۵ کمتر است و مشارکت اجتماعی و سیاسی مردان بیشتر از زنان است.

فرضیه: استفاده از وسایل ارتباط جمعی (اینترنت، ماهواره، تلویزیون، مطبوعات) بر مشارکت سیاسی و اجتماعی شهروندان تاثیر دارد.

جدول شماره ۲ رگرسیون استفاده از وسایل ارتباط جمعی و مشارکت سیاسی و اجتماعی شهروندان

سطح معنی داری	مقدار تی	ضریب استاندارد شده	ضریب استاندارد شده
انحراف معیار	مقدار B	انحراف معیار	مقدار B
۰/۰۰۰	۳۸/۳۶۵	۲/۳۵۵	۹۰/۳۵۱ (Constant)
۰/۰۰۰	۶/۳۶۹	۰/۳۰۴	۲/۰۲۴ استفاده از وسائل ارتباط جمعی

خروجی جدول فوق، بیانگر این است که استفاده از وسایل ارتباط جمعی بر میزان مشارکت اجتماعی و سیاسی افراد تاثیر دارد و سطح معناداری برای آن برابر $I = /0.00$ است. به این معنا که هر چه میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی بیشتر باشد به همان میزان مشارکت اجتماعی و سیاسی افراد بیشتر می شود. بنابراین فرض تحقیق قبول و فرض صفر رد می شود.

فرضیه: بین همبستگی اجتماعی و میزان مشارکت سیاسی و اجتماعی شهروندان رابطه معنی داری وجود دارد.

جدول شماره ۳ همبستگی بین همبستگی اجتماعی و میزان مشارکت سیاسی و اجتماعی

مشارکت اجتماعی		
	سیاسی	همبستگی اجتماعی
مشارکت سیاسی و اجتماعی	۱ همبستگی پیرسون	$(**)0.306$
	سطح معنی داری	$0/00$
	تعداد ۴۰۰	۴۰۰
همبستگی اجتماعی	همبستگی پیرسون $(**)0.306$	۱
	سطح معنی داری	$0/000$
	تعداد ۴۰۰	۴۰۰

بر اساس اطلاعات جدول فوق ملاحظه می شود همبستگی بین مشارکت اجتماعی و سیاسی و همبستگی اجتماعی برابر $I = /0.00$ به دست آمده است که نتیجه می شود رابطه بین مشارکت اجتماعی و سیاسی و همبستگی اجتماعی معنی دار است. زیرا سطح معنی داری از $0/05$ کمتر است. بنابراین فرض تحقیق قبول و فرض صفر رد می شود.

فرضیه: بین سطح آگاهی سیاسی و اجتماعی شهروندان و میزان مشارکت سیاسی و اجتماعی شهروندان رابطه معنی داری وجود دارد.

جدول شماره ۴ همبستگی بین آگاهی سیاسی، اجتماعی و میزان مشارکت سیاسی و اجتماعی

مشارکت اجتماعی		
	سیاسی	همبستگی اجتماعی
مشارکت سیاسی و اجتماعی	۱ همبستگی پیرسون	$(**)0.306$
	سطح معنی داری	$0/00$
	تعداد ۴۰۰	۴۰۰

بررسی میزان مشارکت اجتماعی و سیاسی شهروندان شهر تبریز و عوامل مؤثر بر آن

همبستگی اجتماعی	همبستگی پیرسون	۰/۳۰۶ (**)	۱
	سطح معنی داری	۰/۰۰۰	
	تعداد	۴۰۰	۴۰۰

** Correlation is significant at the ۰.۰۱ level (۲-tailed).

بر اساس خروجی جدول فوق ملاحظه می شود همبستگی بین مشارکت اجتماعی و سیاسی و آگاهی سیاسی و اجتماعی برابر $r = 0.306$ به دست آمده است که نتیجه می شود رابطه بین مشارکت اجتماعی و سیاسی و آگاهی سیاسی و اجتماعی معنی دار است. زیرا سطح معنی داری از ۰/۰۵ کمتر است. بنابراین فرض تحقیق قبول و فرض صفر رد می شود. فرضیه: بین پابندی به باورهای دینی و میزان مشارکت سیاسی و اجتماعی شهروندان رابطه معنی داری دارد.

جدول شماره ۵ همبستگی بین پابندی به باورهای دینی و میزان مشارکت سیاسی و اجتماعی

مشارکت اجتماعی			
	همبستگی اجتماعی	سیاسی	
مشارکت سیاسی و اجتماعی	همبستگی پیرسون	۱	۰/۳۰۶ (**)
	سطح معنی داری		۰/۰۰۰
	تعداد	۴۰۰	۴۰۰
همبستگی اجتماعی	همبستگی پیرسون	۰/۳۰۶ (**)	۱
	سطح معنی داری	۰/۰۰۰	
	تعداد	۴۰۰	۴۰۰

** Correlation is significant at the ۰.۰۱ level (۲-tailed).

همان طور که یافته های جدول فوق نشان می دهد همبستگی بین مشارکت اجتماعی و سیاسی و پابندی به باورهای دینی برابر $r = 0.306$ به دست آمده است که نتیجه می شود رابطه بین مشارکت اجتماعی و سیاسی و پابندی به باورهای دینی معنی دار است. زیرا سطح معنی داری از ۰/۰۵ کمتر است. بنابراین فرض تحقیق قبول و فرض صفر رد می شود. فرضیه: بین میزان اعتماد اجتماعی و میزان مشارکت سیاسی و اجتماعی شهروندان رابطه معنی داری وجود دارد.

جدول شماره ۶ همبستگی بین اعتماد اجتماعی و میزان مشارکت سیاسی و اجتماعی

مشارکت اجتماعی		
	همبستگی اجتماعی	سیاسی
مشارکت سیاسی و اجتماعی	همبستگی پیرسون	۱
	سطح معنی داری	۰/۰۰
	تعداد	۴۰۰
همبستگی اجتماعی	همبستگی پیرسون	(**)۰/۳۰۶
	سطح معنی داری	۰/۰۰۰
	تعداد	۴۰۰

** Correlation is significant at the ۰.۰۱ level (۲-tailed).

همانطور که یافته های جدول فوق نشان می دهد همبستگی بین مشارکت اجتماعی و سیاسی و اعتماد اجتماعی برابر $r = ۰/۰۰۰$ به دست آمده است که نتیجه می شود رابطه بین مشارکت اجتماعی و سیاسی و اعتماد اجتماعی معنی دار است. زیرا سطح معنی داری از ۰/۰۵ کمتر است. بنابراین فرض تحقیق قبول و فرض صفر رد می شود.

فرضیه: بین گرایش های سیاسی و میزان مشارکت سیاسی و اجتماعی شهروندان رابطه معنی داری وجود دارد.

جدول شماره ۷ همبستگی بین گرایش های سیاسی و میزان مشارکت سیاسی و اجتماعی

مشارکت اجتماعی		
	همبستگی اجتماعی	سیاسی
مشارکت سیاسی و اجتماعی	همبستگی پیرسون	۱
	سطح معنی داری	۰/۰۰
	تعداد	۴۰۰
همبستگی اجتماعی	همبستگی پیرسون	(**)۰/۳۰۶
	سطح معنی داری	۰/۰۰۰
	تعداد	۴۰۰

** Correlation is significant at the ۰.۰۱ level (۲-tailed).

بررسی میزان مشارکت اجتماعی و سیاسی شهروندان شهر تبریز و عوامل مؤثر بر آن

بر اساس خروجی جدول فوق همبستگی بین مشارکت اجتماعی و سیاسی و گرایش‌های سیاسی برابر $r = 0.306$ به دست آمده است که می‌توان نتیجه گرفت رابطه بین مشارکت اجتماعی و سیاسی و گرایش‌های سیاسی معنی دار است. زیرا سطح معنی داری از 0.05 کمتر است. بنابراین فرض تحقیق قبول و فرض صفر رد می‌شود.

فرضیه: بین میزان ارضای نیازهای شهروندان و میزان مشارکت سیاسی و اجتماعی شهروندان رابطه معنی داری وجود دارد.

جدول شماره ۸ همبستگی بین ارضای نیازها و میزان مشارکت سیاسی و اجتماعی

مشارکت اجتماعی		
	سیاسی	همبستگی اجتماعی
مشارکت سیاسی و اجتماعی	۱ همبستگی پیرسون	0.306^{**}
	سطح معنی داری	0.00
	تعداد	400
همبستگی اجتماعی		
	۱ همبستگی پیرسون	0.306^{**}
	سطح معنی داری	0.000
	تعداد	400

** Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed).

بر اساس خروجی جدول فوق همبستگی بین مشارکت اجتماعی و سیاسی و ارضای نیازهای شهروندان برابر $r = 0.306$ به دست آمده است که می‌توان نتیجه گرفت رابطه بین مشارکت اجتماعی و سیاسی و ارضای نیازهای شهروندان معنی دار است. زیرا سطح معنی داری از 0.05 کمتر است. بنابراین فرض تحقیق قبول و فرض صفر رد می‌شود.

فرضیه: بین محرومیت شهروندان و میزان مشارکت سیاسی و اجتماعی شهروندان رابطه معنی داری وجود دارد.

جدول شماره ۹ همبستگی بین محرومیت و میزان مشارکت سیاسی و اجتماعی

مشارکت اجتماعی		
	سیاسی	همبستگی اجتماعی
مشارکت سیاسی و اجتماعی	۱ همبستگی پیرسون	0.306^{**}
	سطح معنی داری	0.00
	تعداد	400
همبستگی اجتماعی		
	۱ همبستگی پیرسون	0.306^{**}

سطح معنی داری ۰/۰۰۰

تعداد ۴۰۰ ۴۰۰

بر اساس یافته‌های جدول فوق همبستگی بین مشارکت اجتماعی و سیاسی و محرومیت شهروندان برابر $r = 0.83$ به دست آمده است که می‌توان نتیجه گرفت رابطه بین مشارکت اجتماعی و سیاسی و محرومیت شهروندان معنی‌دار نیست. زیرا سطح معنی داری از ۰/۰۵ بیشتر است. بنابراین فرض تحقیق رد و فرض صفر قبول می‌شود.

فرضیه: بین از خود بیگانگی اجتماعی و میزان مشارکت سیاسی و اجتماعی شهروندان رابطه معنی داری وجود دارد.

جدول شماره ۱۰ همبستگی بین بیگانگی اجتماعی و میزان مشارکت سیاسی و اجتماعی

مشارکت سیاسی و اجتماعی	همبستگی پیرسون	از خود بیگانگی اجتماعی
مشارکت سیاسی و اجتماعی	۱	۰/۱۸۶ (**)
سطح معنی داری		۰/۰۰۰
تعداد	۴۰۰	۴۰۰
از خود بیگانگی اجتماعی	۰/۱۸۶ (**)	۱
سطح معنی داری	۰/۰۰۰	
تعداد	۴۰۰	۴۰۰

بر اساس خروجی جدول فوق همبستگی بین مشارکت اجتماعی و سیاسی و از خود بیگانگی اجتماعی برابر $r = 0.00$ به دست آمده است که می‌توان نتیجه گرفت رابطه بین مشارکت اجتماعی و سیاسی و از خود بیگانگی اجتماعی معنی‌دار است. زیرا سطح معنی داری از ۰/۰۵ کمتر است. بنابراین فرض تحقیق قبول و فرض صفر رد می‌شود.

بحث و نتیجه گیری فرضیه‌ها

۱ - آزمون فرضیه شماره ۱ بیانگر این است که بین جنسیت شهروندان و میزان مشارکت اجتماعی و سیاسی آنها تفاوت معنی‌داری وجود دارد. این آزمون نشان می‌دهد که میزان مشارکت سیاسی و اجتماعی در بین شهروندان زن و مرد تفاوت معنی‌داری وجود دارد (بر اساس اطلاعات جدول فوق ملاحظه می‌شود میانگین مشارکت اجتماعی و سیاسی در زنان برابر $7/28$ با انحراف استاندارد $4/31$ و در مردان برابر $8/25$ با انحراف استاندارد $3/95$ به دست آمده است که با توجه به برابر بودن واریانس‌ها طبق آزمون Leven مقدار t برابر $|t| = 2/303$ و $p = 0/022$ نتیجه می‌شود اختلاف میزان مشارکت اجتماعی و سیاسی بر اساس جنسیت معنی‌دار است). به عبارت دیگر مشارکت سیاسی شهروندان زن و مرد متفاوت بوده و جنسیت در میزان مشارکت آنها تأثیر گذار می‌باشد.

۲- آزمون فرضیه شماره ۲ بیانگر این مسأله است که بین استفاده از وسایل ارتباط جمعی و میزان مشارکت سیاسی و اجتماعی رابطه وجود دارد. نتایج تحلیل چند متغیره متغیرهای پژوهش نشان می‌دهد که استفاده از وسایل ارتباط جمعی بیشترین تاثیر و نقش را در مشارکت سیاسی و اجتماعی شهروندان داشته است به این ترتیب طبق نتایج تحقیق شهروندانی که بیشتر از وسایل ارتباط جمعی استفاده می‌کنند بیشتر در فعالیتهای سیاسی مشارکت می‌کنند و بر عکس افرادی که از وسایل ارتباط جمعی استفاده نمی‌کردند از میزان مشارکت سیاسی و اجتماعی پایین‌تری برخوردار می‌باشند. برای تبیین رابطه فوق از چشم انداز نظریه هابر ماس، و مک لوهان و لیپست استفاده نموده‌ایم انجمن‌های داوطلبانه حلقه اتصال افراد به جامعه، فراتر از گروههای نخستین یعنی خانواده و گروه همالان هستند. (وسائل ارتباط جمعی بر میزان مشارکت اجتماعی و سیاسی افراد تاثیر دارد و سطح معناداری برای آن برابر 0.001 است. به این معنا که هر چه میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی بیشتر باشد به همان میزان مشارکت اجتماعی و سیاسی افراد بیشتر می‌شود. بنابراین فرض تحقیق قبول و فرض صفر رد می‌شود.) براین اساس می‌توان از دیدگاه هابر ماس گفت چنانچه رسانه‌های گروهی بستر ایجاد حوزه‌ی عمومی واقعی را فراهم نمایند و افکار عمومی واقعی نیز شکل بگیرد می‌توان امیدوار بود که میزان مشارکت اجتماعی و سیاسی شهروندان نیز بیشتر شود و البته این مشارکت آگاهانه خواهد بود.

۴- آزمون فرضیه شماره ۳ حکایت از آن دارد که بین همبستگی اجتماعی و میزان مشارکت سیاسی- اجتماعی شهروندان رابطه معنی‌داری وجود دارد.

به بیان دیگر شهروندانی که همبستگی اجتماعی بالای دارند بیشتر به فعالیتهای سیاسی می‌پرداخته و یا نسبت به فعالیت سیاسی علاقه‌مند می‌باشند، یافته‌های این پژوهش یا نتایج به‌دست آمده توسط جین ماروین همخوانی دارد. (براساس اطلاعات بدست آمده از جدول ملاحظه می‌شود بین همبستگی و مشارکت اجتماعی و سیاسی و عضویت در نهادها برابر $I = 0.001$ به‌دست آمده است که نتیجه می‌شود رابطه بین مشارکت اجتماعی و سیاسی و عضویت در نهادها معنی‌دار است. زیرا سطح معنی‌داری از 0.05 کمتر است. بنابراین فرض تحقیق قبول و فرض صفر رد می‌شود.)

آزمون فرضیه شماره ۴- بیانگر این است که بین آگاهی سیاسی و میزان مشارکت اجتماعی- سیاسی شهروندان رابطه معنی‌داری وجود دارد به عبارت دیگر هر چقدر میزان آگاهی سیاسی و اطلاعات سیاسی- اجتماعی شهروندان بیشتر باشد، میزان مشارکت سیاسی آنان افزایش می‌یابد. داشتن اطلاعات سیاسی- اجتماعی و پیگیری مسائل مذکور نقش مؤثری در میزان مشارکت افراد ایفا می‌نماید. یافته‌های این پژوهش با نتایج تحقیقات لیپست، همخوانی داشته است. (براساس جدول ملاحظه می‌شود همبستگی بین مشارکت اجتماعی و سیاسی و آگاهی سیاسی واجتماعی برابر $I = 0.001$ به‌دست آمده است که نتیجه می‌شود رابطه بین مشارکت اجتماعی و سیاسی و آگاهی سیاسی واجتماعی معنی‌دار است. زیرا سطح معنی‌داری از 0.05 کمتر است. بنابراین فرض تحقیق قبول و فرض صفر رد می‌شود.)

آزمون شماره ۵ نشانگر آن است که بین پایبندی به باورهای دینی و مشارکت سیاسی- اجتماعی شهروندان رابطه معنی‌داری وجود دارد به عبارت دیگر پایبندی به باورهای دینی تأثیری در مشارکت سیاسی- اجتماعی شهروندان دارد. از آنجایی که در باورهای دینی ما نیز به این موضوع تأکید شده است می‌توان گفت با توجه به اینکه نقش باورهای دینی در ساختار اجتماعی و اقتصادی جامعه ما

نهادینه شده است فلذا انتظار می‌رود این گونه از کنش‌ها که در باورها و اعتقادات دینی نیز ریشه دارد امکان و احتمال وقوع و تکرار آن افزایش می‌یابد. (همان‌طور که یافته‌های جدول نشان می‌دهد همبستگی بین مشارکت اجتماعی و سیاسی و پایداری به باورهای دینی برابر $I = /0.00$ به دست آمده است که نتیجه می‌شود رابطه بین مشارکت اجتماعی و سیاسی و پایداری به باورهای دینی معنی‌دار است. زیرا سطح معنی‌داری از 0.05 کمتر است. بنابراین فرض تحقیق قبول و فرض صفر رد می‌شود).

آزمون فرضیه شماره ۶- بیانگر اینست که بین اعتماد اجتماعی و میزان مشارکت اجتماعی- سیاسی شهروندان رابطه معنی‌داری وجود دارد به عبارت دیگر هر چقدر میزان اعتماد اجتماعی شهروندان بیشتر باشد، میزان مشارکت سیاسی- اجتماعی آنان افزایش می‌یابد. پس می‌توان عنوان کرد که میزان اعتماد اجتماعی نقش موثری بر مشارکت افراد دارد. یافته‌های این پژوهش با نتایج تحقیقات آقای محمدرضا باقر احمدی نیز همخوانی دارد. (همان‌طور که یافته‌های جدول نشان می‌دهد همبستگی بین مشارکت اجتماعی و سیاسی و اعتماد اجتماعی برابر $I = /0.00$ بدست آمده است که نتیجه می‌شود رابطه بین مشارکت اجتماعی و سیاسی و اعتماد اجتماعی معنی‌دار است. زیرا سطح معنی‌داری از 0.05 کمتر است. بنابراین فرض تحقیق قبول و فرض صفر رد می‌شود).

آزمون فرضیه شماره ۷- بیانگر اینست که بین گرایش‌های سیاسی و میزان مشارکت اجتماعی- سیاسی شهروندان رابطه معنی‌داری وجود دارد به عبارت دیگر هر چقدر میزان گرایش سیاسی شهروندان بیشتر بوده، میزان مشارکت سیاسی- اجتماعی آنان افزایش می‌یابد. پس می‌توان گفت داشتن گرایش سیاسی نقش موثری بر مشارکت افراد ایفا می‌نماید. شهروندان معمولاً در هر آنچه خود را سهیم و شریک بدانند و داخل در یک رقابت سیاسی و اجتماعی مثلاً انتخابات می‌شوند در این حالت طبیعی است که انتظار داشته باشیم چنانچه شهروندان دارای گرایش‌های سیاسی باشند احتمال مشارکت سیاسی و اجتماعی آنان افزایش می‌یابد. (همبستگی بین مشارکت اجتماعی و سیاسی و گرایش‌های سیاسی برابر $I = /0.00$ به دست آمده است که می‌توان نتیجه گرفت رابطه بین مشارکت اجتماعی و سیاسی و گرایش‌های سیاسی معنی‌دار است. زیرا سطح معنی‌داری از 0.05 کمتر است. بنابراین فرض تحقیق قبول و فرض صفر رد می‌شود).

۱۰- آزمون فرضیه شماره ۸- بیانگر این است که بین ارضای نیازها و میزان مشارکت اجتماعی- سیاسی شهروندان رابطه معنی‌داری وجود دارد به عبارت دیگر هر چقدر نیازهای شهروندان بیشتر تامین شود، میزان مشارکت سیاسی- اجتماعی آنان افزایش می‌یابد. پس تامین نیازهای شهروندان نقش موثری بر مشارکت آنان ایفا می‌نماید. یافته‌های این پژوهش با نتایج تحقیقات مازلو، همخوانی دارد. زمانی که نیاز فیزیولوژیکی، نیاز به احترام، دوست داشتن و دوست داشته شدن و... در شهروندان برآورده می‌شود و ایشان احساس کنند که در سرنوشت جامعه مؤثر هستند و مشارکت ایشان در مسیر جامعه مؤثر است انتظار می‌رود میزان مشارکت سیاسی و اجتماعی شهروندان افزایش یابد. (براساس جدول همبستگی بین مشارکت اجتماعی و سیاسی و ارضای نیازهای شهروندان برابر $I = /0.00$ به دست آمده است که می‌توان نتیجه گرفت رابطه بین مشارکت اجتماعی و سیاسی و ارضای نیازهای شهروندان معنی‌دار است. زیرا سطح معنی‌داری از 0.05 کمتر است. بنابراین فرض تحقیق قبول و فرض صفر رد می‌شود).

۱۱- آزمون فرضیه شماره ۹- بیانگر اینست که بین محرومیت نسبی و میزان مشارکت اجتماعی - سیاسی شهروندان رابطه معنی داری وجود ندارد به عبارت دیگر هر چقدر میزان محرومیت نسبی شهروندان بیشتر شود، میزان مشارکت سیاسی آنان کاهش یافته است. پس می توان عنوان کرد که محرومیت نسبی نقش موثری بر مشارکت افراد ایفاء می نماید. این مسأله از عوامل انقلاب های اجتماعی است. یکی از نظریه های جامعه شناسی انقلاب معطوف به همین نظر است. ناکامی ها می توانند مشارکت منفی شهروندان را در پی داشته باشد یعنی مشارکت معکوس، که بجای تقویت نظم و پیوندهای اجتماعی و عامل تجزیه و شکاف اجتماعی می باشد و می تواند حتی در تغییر ساختارها نقش داشته باشد. (بر اساس یافته های جدول همبستگی بین مشارکت اجتماعی و سیاسی و محرومیت شهروندان برابر $I = /0.83$ به دست آمده است که می توان نتیجه گرفت رابطه بین مشارکت اجتماعی و سیاسی و محرومیت شهروندان معنی دار نیست. زیرا سطح معنی داری از 0.05 بیشتر است. بنابراین فرض تحقیق رد و فرض صفر قبول می شود.)

۱۲- آزمون فرضیه شماره ۱۰- بیانگر این است که بین از خود بیگانگی اجتماعی و میزان مشارکت اجتماعی - سیاسی شهروندان رابطه معنی داری وجود ندارد به عبارت دیگر هر چقدر میزان از خود بیگانگی شهروندان بیشتر شود، میزان مشارکت سیاسی آنان کاهش می یابد. فلذا از خود بیگانگی نقش موثری بر مشارکت افراد ایفاء می نماید. (بر اساس جدول همبستگی بین مشارکت اجتماعی و سیاسی و از خود بیگانگی اجتماعی برابر $I = /0.00$ به دست آمده است که می توان نتیجه گرفت رابطه بین مشارکت اجتماعی و سیاسی و از خود بیگانگی اجتماعی معنی دار است. زیرا سطح معنی داری از 0.05 کمتر است. بنابراین فرض تحقیق قبول و فرض صفر رد می شود.)

منابع

منابع فارسی

- ۱- آلن پیرو (۱۹۸۱) ترجمه ساروخانی، ب، « فرهنگ علوم اجتماعی »، تهران، انتشارات کیهان.
- ۲- اکبری، محمدرضا، و مهریزاده، یحیی؛ (۱۳۷۸) بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی دانشجویان در دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه شهید بهشتی تهران.
- ۳- آنتونی گیدنز (۱۳۷۴)، جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، نشر نی
- ۴- آرون ریمون (۱۳۷۷)، مراحل اساسی اندیشه در جامعه شناسی، ترجمه باقر پرهام، تهران، شرکت سهامی انتشار. ساموئل هانتینگتون، (۱۳۷۵) ترجمه محسن ثلاثی « سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگون» نشر علم، تهران.
- ۵- آرون ریمون. (۱۳۷۰). مراحل اساسی اندیشه در جامعه شناسی، ترجمه باقر پرهام، تهران: انتشارات آموزش انقلاب اسلامی.
- ۶- آزاد ارمکی، تقی. (۱۳۸۱). نظریه های جامعه شناسی، تهران: انتشارات سروش، چاپ دوم.
- ۷- امیر کافی، مهدی. (۱۳۸۰). اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن، نمایه پژوهشی، شماره ۱۸، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: صص ۳۹-۴۰.

۸- اوجاقلو، سجاد؛ زاهدی، محمد جواد. (۱۳۸۴). بررسی اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در بین ساکنان شهر زنجان، مجله جامعه شناسی ایران، دوره ششم، شماره ۴، ص ۱۲۵-۹۲. بشیریه، حسین، (۱۳۷۷)، «مشارکت، رقابت و توسعه» انتشار آگاه، تهران رفیع پور، فرامرز، (۱۳۷۸) کندو کاو و پنداشته ها، شرکت سهامی انتشار، تهران.

۹- بشیریه، حسین (۱۳۷۷) جامعه شناسی سیاسی، تهران؛ نشر نی، چاپ چهارم
۱۰- توسلی، غلامعباس؛ مرشدی، ابوالفضل. (۱۳۸۵). بررسی سطح دینداری و گرایش های دینی دانشجویان، مطالعه موردی: دانشگاه صنعتی امیرکبیر، مجله جامعه شناسی ایران، دوره هفتم، شماره ۴، ص ۹۶-۱۱۸
۱۱- دواس، ا.دی (۱۳۷۶) پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ نایی، تهران نشر نی، چاپ اول.
۱۲- کرمی، امیرعباس، (۱۳۸۱)، مقاله: در آمدی بر توسعه سیاسی، ضمیمه سیاسی تربیت (معاونت آموزش و پرورش نظری و مهارتی وزارت آموزش و پرورش) دوره جدید شماره ۲، آذر و دی ۸۱. صفحه ۵۶ الی ۵۸.
۱۳- لوسین دبلیور، پ (چاپ اول ۱۳۸۰)، ترجمه غلامرضا خواجه سرودی، «بحرانها و توالی ها در توسعه سیاسی»، پژوهشکده - مطالعات راهبردی. چاپ کوثر، تهران.